

عَدَس، نَخود، ماش



مرده ورداشته نخودارور ریخته، عروسه هم ورداشته ماستا رو ریخته توی قیমে ها. بدون هرگونه استفاده ای از اون ماشه که گوشه آشپزخونه داره کرم می زنه. حالا عروس خانوم رفته مهریه ش رو گذاشته اجرا و آقا داماد هم گفته من اصلا از چنین بندی خبر نداشتم و اومده از من شکایت کرده و من رو انداخته زندان. با تعجب پرسید: «حالا نمی شد به ماش پلو هم می خوردن که کار به اینجا نکشه؟!» گفتیم: «همین رو بگو. اینا حتی رولت روسی هم درست کردن، خوردن، ولی ماش نه!»

گفت: «حالا چی می شه به نظرت؟» گفتیم: «من که نیتم خیر بود و همون بنده خدا باز می آد سند می ذاره من رو نجات می ده، ولی به نظرم بزرگ ترا می آن پادرمیونی می کنن و ظرفای چینی رو هم بند می زنن، عروسه هم سر عقل می آد و می بینن زندگی ارزشش رو نداره مکانیسم ماشه رو فعال کنه و می آد به پخت و پز ادامه می ده. حالا به بار ماش پلو درست می کنه، به بار رولت روسی! داماد هم اون قدر عاقل هست که بدونه کی چه دست پختی رو بخوره! ضمن اینکه دست پخت عروس خانوم بد بود، دوباره نخودارو می ریزه!»

صدای پای پی پاورچین پاورچین به سلول ما نزدیک شد و از پشت میله ها من را که در حال خوابیدن بودم، صدا زد: «باز هم که اومدی؟! ادمم پشت میله ها و با لیخندی بر لب به همان زندانبان همیشگی جواب دادم: «آره دیگه. اون سری هم اگه اون بنده خدا برام سند نداشته بود، حالا حالاها مهمون شما بودم!»

گفت: «این بار چی کار کردی؟!» گفتم: «می دونی که من چه مشکلی دارم. قبلا برات گفتم. دست و پا و زبونم در اختیار خودم نیست! این بار هم توی به جلسه خواستگاری، دادن من که خط خوبی دارم، فهرست شرایط ضمن عقد رو که توافق کرده بودن، روی کاغذ بیارم. من هم یک بند اضافه کردم تا زندگی شون پایدارتر بشه! با تعجب پرسید: «چی اضافه کردی که الان اینجا جایی؟!» گفتم: «با خودم گفتم که اگه زندگی شون یک نواخت بشه، ممکنه از هم جدا بشن. مثلاً اگه فقط عدس پلو بخورن، دل درد می گیرن. بد نیست ماش پلو هم بخورن!» گفت: «این که خیلی خوبه.» گفتم: «من هم همین فکر رو می کردم. به همین دلیل، یک بند به شرایط عقد اضافه کردم که با مواد خونه هر پخت و پزی می کنن، بکنن، چه عدس، چه نخود، چه دونه و هسته و هر عنصر دیگه ای از جدول تناوبی! فقط برای اینکه انرژی شون نیفته، باید ماش هم بپزن و اگه نپزن، عروس می تونه مهریه ش رو بذاره اجرا و اسم این بند رو هم گذاشتم مکانیسم ماشه! زندانبان گفت: «خب بعدش چی شد؟» گفتم: «هیچی دیگه. دعواکردن، ظرفای چینی رو شکستن،



خضریان، نماینده مجلس، شرکت هواپیمایی آسمان با ۲۵۰۰ نیرو، فقط یک هواپیما دارد!

وزیر کار: به این می گن کارآفرینی، به دونه هواپیما گذاشتن وسط، با همون کلی شغل ایجاد کردن، فقط حواستون باشه باهاش زیاد پرواز نکنین. سقوط کنه، ۲۵۰۰ نفر بیکار می شن. به خلبانش هم بگین همه ش از کنار بره.

وزیر بهداشت: چه تشابهی! ما هم داریم به سمتی می ریم که به ازای هر ۲۵۰۰ مریض یک پرستار داشته باشیم.

وزیر راه: خوبه پس. اگر سقوط کرد، ۲۵۰۰ تا آدم داریم که دنبال جعبه سیاهش بگردن.

وزیر صنعت، معدن، تجارت: مطمئنم الان با هر کدوم از اون ۲۵۰۰ نفر، حتی اون که مسئول به دونه پیچشه، صحبت کنی، می گن کار ما از کار معدن سخت تره.

مسعود لیسانسه ها: من هنوز کار پیدا نکردم. نمی شه شما که ۲۵۰۰ تا نیرو گرفتین، نفر دوهزار و پونصد و یکم رو هم بگیرین؟

رئیس سازمان غذا و دارو: اینکه توقع داشته باشین شرکت هواپیمایی، هواپیما زیاد داشته باشه، بیجاست. مثلاً من شیرینی کشمشی های بسیاری توی قنادی دیدم که فقط به دونه کشمش داشتن.

حبیب لیسانسه ها: ببخشین، این ۲۵۰۰ نفر عزیز، بیشترشون خانم هستن یا آقا؟

دکل گم شده نفتی: با توجه به تجربه شخصی من، هر قدر چیزی بزرگ تر باشه، راحت تر گم می شه. مواظب باشین هواپیما گم نشه که پیدا کردنش با کرام الکاتبینه!

وزیر نیرو: این ۲۵۰۰ نفر با حقوقشون این طرف و اون طرف کارت می کشن که باعث می شه کارت خوان ها برق زیاد مصرف کنن و ناترازی داشته باشیم. ولی نمایندگان دنبال استیضاح من هستن!

ایجو، مگفتن

مهدی محمدی

رئیس فراکسیون مدیریت شهری مجلس، در واکنش به طرح وزارت نیرو:

توقف ساخت و ساز به علت کمبود آب، مثل ترک تحصیل به خاطر شکستن مداد است.

(خانه ملت)



وزیر اقتصاد:

واریز یارانه معیشتی مثل دادن غذا به کسی است که برای آزمایش باید ناشتا باشد.

سازمان تأمین اجتماعی:

سرمه سازمان ما از ویزیت بیمار، مثل دادن پول ماست تک نفره به کسی است که می خواهد یک پرس غذا سفارش بدهد.

یک اختلاسگر با سابقه:

مجازات رفتن به زندان برای من مثل برو توی اتاقت به کارهای بدت فکر کن است.

وزیر ارتباطات:

برداشتن فیلترینگ وقتی سرعت اینترنت کم است، مثل دادن سشوار به علی منصوریان است.

رئیس شبکه نمایش خانگی:

نشان دادن فیلم سینمایی نود دقیقه ای خارجی در هفتاد دقیقه مثل هرس کردن درخت پرشاخ و برگ است.